

فصلنامه تاریخ پژوهی (مجله انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۴

حمید زیان پور (کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی و کارشناس مصاحبه و نمایه ساز مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

کاربرد روش تحقیق پدیدار شناسی در تاریخ شفاهی:

تبیین امکان و ضرورت

چکیده

روش تحقیق یکی از منابع مهم کسب دانش است که به انواع کمی و کیفی دسته بندی می شود. تحقیقات کیفی روش های متنوعی دارد. روش پدیدارشناسی یکی از روش های آن است. روش پدیدار شناسی یک روش توصیفی قیاسی است که از فلسفه پدیده شناسی سرچشمه می گیرد. در این مقاله نخست به تاریخچه فلسفه پدیده شناسی و سپس به تطبیق آن به عنوان یک روش تحقیق کیفی در تاریخ شفاهی اشاره شده است. در این مقاله همچنین به روش های تحلیل اطلاعات در پدیده شناسی (فنومولوژی) با تطبیق بر روش پژوهش در تاریخ شفاهی در جمع آوری و ارائه اطلاعات اشاره شده است.

کلیدواژه ها: تحقیق کیفی، تحقیق پدیدارشناسی، تاریخ شفاهی.

مقدمه

روش های پژوهش در علوم انسانی و رفتاری در دو رویکرد خردگرایانه یا کمی گرا و تفسیر گرایانه یا کیفی گرا قرار دارند. در این میان علوم طبیعی که عمدتاً بر اساس روش های اثبات گرایی درک می شود به مطالعه جهان عینی، بی جان و غیر انسانی می پردازد، در حالی که جامعه محصول ذهن انسان و دارای جنبه ذهنی، احساسی و فکری و عقلی است. رفتار اجتماعی انسان همواره با ارزش ها عجیب و درآمیخته است. مشاهده گر به عنوان انسانی که به مطالعه سایر انسان ها می پردازد، از طریق برخی از اشکال بازسازی تخیلی یا همدلی به درک جهان اجتماعی دیگران نایل می آید!

۱- ایمان، محمد تقی؛ غفاری نسب، اسفندیار. ۱۳۸۹. «بانی روش شناختی تحقیق میدانی و چگونگی انجام آن»، فصلنامه پژوهش سال دوم، شماره دوم.

محققان تاریخی نیز بر خلاف دانشمندان علوم طبیعی و رفتاری به جای تلاش برای کنترل شدید پدیده مورد مطالعه، به دنبال غنای اطلاعات به دست آمده هستند، چراکه باعث ارتقای فهم از زمینه می شود^۱. این بدان سبب است که در پژوهش تاریخی صرفاً نمی توان به نقل رخدادهای بسنده کرد بلکه باید پیام رویدادها را نیز استنباط کرد. متن و زمینه پیام را به درستی شناخت، دلایل وقوع هر پدیده خاص را فهمید، و به چرایی یا توصیف، تشریح و تبیین رویداد تاریخی دست یازید^۲. تاریخ شفاهی که به نوعی یکی از شیوه های پژوهش تاریخی است به عنوان یک ابزار تحقیقی در مطالعات تاریخی کاربرد دارد و به جای حقایق دقیق تاریخی به وجوه کیفی حوادث و تحولات تاریخی و تلقی مردم از آن تحولات می پردازد و تحولات تاریخی را در نگاه مردم مرور می کند. حال سؤال این است با وجود تنوع رویکردهای متعارف برای مطالعه در تاریخ کدام شیوه مناسبتر با کار تاریخ شفاهی دارد. فرضیه نگارنده این است که با توجه به مقتضیات روش و شیوه های شناخت در تاریخ شفاهی و به دلایل فلسفی متعدد، تحلیل روش پدیدار شناختی کاربرد زیادی در این زمینه دارد. در مقاله حاضر به تبیین امکان و ضرورت این روش در تاریخ شفاهی پرداخته می شود.

روش پژوهش کمی و کیفی در علوم انسانی و اجتماعی

در علوم انسانی، همانطور که نظریه ها بر شالوده مبانی فلسفی و معرفت شناختی بنا نهاده شده است، هر کدام از روش های تحقیق نیز مبانی فلسفی و معرفت شناختی خاصی دارند^۳. عموماً این روش ها در دو دسته جای می گیرند. هر کدام از این دسته ها، با نام ها و عناوین مختلفی شناخته می شوند: پژوهش های کمی، پوزیتیویستی، اثبات گرایانه، پیمایشی، تجربی و...

۱- محمدی نسب، مهدی. ۱۳۹۰. «کاربرد روش تحقیق تاریخی در مطالعات مدیریت»، *فصلنامه علمی و*

پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، شماره ۶۶.

۲- خلیلی، محسن. ۱۳۸۵. «تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *در مجموعه مقالات*

نخستین همایش تاریخ شفاهی به کوشش اداره اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی.

۳- بونزه، ماریو؛ آردیلا، روبن. بی تا. *فلسفه روان شناسی و نقد آن*، ترجمه محمد جواد زارعان و همکاران. قم:

پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ص ۲۴.

برای نامیدن یک دسته، و پژوهش‌های کیفی، تفسیری، تاویلی، تفهیمی و ... برای نامیدن دسته دیگر. اما آنچه امروزه بیشتر رایج است. اصطلاح پژوهش‌های کمی و کیفی است^۱. روش‌های کمی بر فلسفه اثبات‌گرایی تکیه دارند. جهت‌گیری اثبات‌گرایی به تبیین و پیش‌بینی رویدادها از طریق مشاهده و آزمایش و تبدیل یافته‌ها به داده‌های کمی و اعداد علاقه دارد و به متغیرهای قابل اندازه‌گیری و گزاره‌های قابل اثبات می‌پردازد^۲. بدین ترتیب فعالیت‌های پژوهش کمی بر اساس تجزیه و تحلیل یک یا چند پیشنهاد فرضی و ذهنی درباره روابط علت و معلولی میان دو یا چند متغیر بنا می‌گردد و هدف، آزمودن و یا آزمایش کردن این روابط می‌باشد. چنین فعالیت‌هایی در پژوهش کمی دارای خصوصاتی از قبیل تجربی بودن^۳، تعمیم‌پذیر بودن^۴، تلخیصی بودن^۵، تکرارپذیر بودن^۶ و عینی بودن^۷ می‌باشند^۸. به همین جهت در روش پژوهش کمی از مفاهیمی چون جامعه آماری، نمونه آماری، نمونه‌گیری، ابزار پژوهش یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها، روایی و پایایی ابزار، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها صحبت می‌شود. روش پژوهش کمی در دهه‌های اولیه قرن بیستم و به دنبال موفقیت علوم تجربی، گسترش یافتند. چرا که پژوهشگران و جامعه‌شناسان، الگوی علوم طبیعی و تجربی را برای بررسی جامعه مورد مطالعه شان تعمیم می‌دادند، با این توجیه که افراد تحت مطالعه را

-
- ۱- سعیدی، احمد؛ هاشمی مقدم، امیر؛ میرزایی، حسین علی؛ حسین زاده، فهیمه. ۱۳۸۹. *درآمدی بر روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۰۲.
 - ۲- صدوقی، مجید. ۱۳۸۶. «کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی* (حوزه و دانشگاه)، سال سیزدهم، شماره ۵۲.

3- Empirical

4-Generalitation

5- Reductonism

6- Repeatability

7- Objectibity

- ۸- عابدی، احمد؛ شواخی، علی رضا. ۱۳۸۹. «مقایسه روش‌شناسی کمی و کیفی در علوم رفتاری»، *فصلنامه راهبرد* سال نوزدهم شماره ۵۴.

همچون موضوعات مورد بررسی علوم طبیعی، می توان چنان شیء و موضوع در نظر گرفت. کم کم و در پی نا کارآمدی برخی روش های علوم تجربی و بویژه به کار گیری این روش ها برای بررسی ها در علوم انسانی و اجتماعی، پژوهشگران در صحت نتایج اینگونه بررسی ها، دچار تردید شدند^۱. تا پایان دهه ۱۹۶۰ نزدیک به ۹۰ درصد گزارش های منتشر شده در مجلات جامعه شناسی آمریکا، مبتنی بر تحقیق کمی و آماری بودند. گرچه در بریتانیا آمارهای قابل مقایسه ای در دست نیستند، ولی گمان می رود تا اواخر دهه ۱۹۶۰ تحقیق آماری (روش های کمی) در این کشور مسلط بود. اما امروزه فضا به تفاوت پیدا کرده و به دلیل انتقادهای نظری از اثبات گرایی^۲ (که گرایش به شیوه های آماری و کمی دارند)، اکنون روش های کیفی، جایگاهی کانونی در آموزش و تحقیق اجتماعی بدست آورده اند.^۳ این روش را انسان شناسان فرهنگی برای مطالعه آداب و رفتارهای فرهنگ های دیگر ابداع کرده اند. مبنای فلسفه تحقیق کیفی، انسان گرایی^۴ و طبیعت گرایی^۵ است. منظور از مبنای انسان گرایی، توجه به نقش و اهمیت انسان در تحقیق کیفی است. مطابق این فلسفه، وجه ممیز انسان با موجودات دیگر، کنش بر پایه انگیزه ها یا عوامل درونی و بیرونی به جای واکنش است.^۶ این گونه پژوهش می تواند مطالعه در مورد زندگی افراد، تجارب زنده، رفتارها، هیجانات و احساسات آن ها و همچنین عملکرد های سازمانی، تحرکات اجتماعی، پدیده های فرهنگی و تعاملات

۱- مارشال، کاترین؛ راسمن، گرچن. ۱۳۹۱. *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. چاپ دوم. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ص ۷.

2- Positivism

۳- سیلور من، دیوید. ۱۳۸۵. *روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی. چاپ دوم. تهران: تیان، ص ۱.

4- Humanism

5- Naturalism

۶- رفیعی، حسن؛ سجادی، حمیرا. ۱۳۸۷. *روش های تحقیق بین رشته ای در اعتیاد*. چاپ اول. تهران: دانژه. ریخته گران، محمد رضا. ۱۳۸۲. *پدیدار شناسی، هنر مدرنیته*. تهران: نشر ساقی، صص ۱۳۲ - ۱۳۳.

میان ملل را شامل شود. بخشی از داده ها مانند تعداد افراد و اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به آن ها، ممکن است به صورت کمی مطرح شود ولی بخش عمده تحلیل ها جنبه تفسیری دارند. یافته های حاصل از آن از طریق روش های آماری یا سایر ابزار های کمی سازی^۱ به دست نیامده است.^۲ پژوهش کیفی در یک نگاه کلی، متشکل از سه جزء است:

نخستین جزء داده ها هستند که از منابع متنوعی مانند مصاحبه، مشاهده، اسناد، پیشینه ها، فیلم ها و غیره گردآوری می شوند.

جزء دوم شامل شیوه ها و روندهایی است که پژوهشگر برای تفسیر و سازماندهی داده ها به کار می برد. این شیوه ها معمولاً مفهوم پردازی و کاستن از حجم داده ها، تشکیل مقوله ها بر حسب ویژگی ها و ابعاد مشترک، و ارتباط دادن آن ها از طریق یک سلسله عبارت های ربطی را شامل می شوند.

جزء سوم در پژوهش کیفی، گزارش های مکتوب یا کلامی است که به صورت مقاله در مجلات علمی و یا به صورت کتاب و همچنین در قالب سخنرانی در همایش ها ارائه می شوند. پژوهش کیفی به طور کلی دارای ویژگی های زیر است:

توجه به معانی، دیدگاه ها و ادراکات: پژوهشگر در پی فهم معانی وقایع، موقعیت ها، اعمال شرکت کنندگان، مطالعه و توضیحات آن ها در مورد زندگی و تجارب خود، از دیدگاه خود آن ها است. پژوهشگر این امر را مورد توجه قرار می دهد که شرکت کنندگان در پژوهش چگونه به این وقایع معنی می دهند و این ادراک چگونه رفتار آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

توجه به محیط های طبیعی: پژوهشگر کیفی قادر است ارتباط عمیقی با محیط طبیعی پژوهش برقرار کند. اجرای پژوهش در محیط طبیعی بروز رخدادها و پدیده ها، این اطمینان

1- Quantification

۲- حریری، نجلا. ۱۳۸۵. اصول و روش های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ص ۱.

را به پژوهشگر می دهد که داده های گردآوری شده عاری از تاثیرات اجتماعی محیط های ساختگی پژوهش هستند.

ادراک زمینه ای : رویکرد کیفی در پی ادراک زمینه ویژه ای است که شرکت کنندگان مورد مطالعه ، درچار چوب آن عمل می کنند و تاثیری را که این زمینه بر اعمال شرکت کنندگان دارد، مورد ملاحظه قرار می دهد. به این ترتیب ، پژوهشگران کیفی ، قادر به ادراک این امر هستند که وقایع و اعمال و معنایی که افراد به آن ها می دهند، درشرایط ویژه خود چگونه شکل می گیرند.

ادراک فرآیندی: پژوهشگر کیفی به چگونگی شکل گیری وقایع و اعمال مورد مطالعه توجه دارد و فرآیندی را که در طی آن وقایع مورد نظر اتفاق می افتند مورد مطالعه قرار می دهد.^۱ پژوهش کیفی در باره زندگی ، فرهنگ، مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان، احساسات، هیجانات و باورهای مردم اطلاعات کسب می کند.^۲ به بیان دیگر روش های کیفی بر دیدگاه تفهیمی یا تفسیر گرایانه مبتنی هستند و به چگونگی تفسیر، درک ، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی توجه دارد پژوهشگر کیفی باید ارزش های شخص ، احساسات و پیش داوری خود را کنار بگذارد و جهان را از دریچه چشم دیگران تجربه کند^۳ مطالعات تفسیری، متغیرهای مستقل و وابسته را از قبل تعریف نمی کند، بلکه بر پیچیدگی معنا بخشی انسان که در وضعیت های گوناگون بروز می کند، متمرکز است (Mayers, 1997) و پژوهش کیفی یا روش بوشو شعبانی ورکی) در این رابطه عابدی (۱۳۸۸) به نقل از مورس (۲۰۰۵) اشاره می کند که مطالعات کیفی تجارب روزمره زندگی افراد را مطالعه می کنند تا فهم پدیده هایی را که به طور طبیعی در حالت های طبیعی خودشان رخ می دهند، میسر سازند و نهایتاً این تلاشی است برای معنی بخشیدن به زندگی روزمره .در این روش هیچ متغییری دستکاری نمی شود و هیچ کدام از متغییر های زمینه ای، کنترل نخواهد شد.

۱- حریری، نجلا. همان، صص ۱۰-۴.

۲- عابدی، شوخی. همان.

۳- همان.

منشأ روش‌های کیفی در علوم انسانی عموماً ضد اثبات‌گرایی است و بر مبنای فلسفی "پدیدارشناسی"، "فردنگری" و "طبیعت‌گرایی" مبتنی هستند. رویکرد پدیدارشناسی بر درک معنای رویدادها توسط افراد تحت مطالعه تأکید دارد. پدیدارشناسی، افراد و دنیای شان را به صورت چیزهایی که همدیگر را می‌سازند در نظر می‌گیرد.

منطق روش پژوهش کیفی در تاریخ شفاهی

مهمترین دلیل انتخاب روش‌های کیفی، ماهیت مسأله پژوهش است. پیرنه در تعریف تاریخ می‌گوید که "تاریخ عبارت است از داستان رفتار و کردار و دستاوردهای انسان‌ها که در جوامع زندگی می‌کنند" التون در تعریف گسترده‌تر می‌گوید "مطالعه تاریخ شامل تمام چیزهایی است که انسان‌ها گفته‌اند، اندیشیده‌اند، انجام داده‌اند یا متحمل شده‌اند". نبوی نیز در مبحث تحقیقات بر مبنای اطلاعات تاریخی، چنین مطرح نموده است که تاریخ عبارت است از تعریف و توصیف وقایع گذشته و تجزیه و تحلیل انتقادی این وقایع به نحوی که حقایق گذشته را روشن و مشخص سازد. به این ترتیب، تاریخ مطالعه تمام وقایع مربوط به انسان‌های گذشته را در بر می‌گیرد. این مجموعه باید به صورت جریانی از حوادث تعریف و تبیین گردد. زیرا تعریف و توصیف وقایع گذشته اگر به صورت جدا از هم انجام گیرد، بیوگرافی خواهد بود. وقایع تاریخی اگر در ارتباط با یکدیگر تبیین شوند قادر خواهد بود که ما را در تبیین علل مسایل اجتماعی زمان‌های گذشته یاری دهد. ابن‌خلدون رسالت تحقیقات تاریخی را جستجو در باب علت حوادث می‌داند. از نظر او تاریخ دارای دارای پویای طبیعی است و باید با دید پویا به آن نگریست. به نظر او شناخت تاریخی مستلزم آن است که محقق علت‌های اجتماعی را دنبال کند. بنا بر این در دانش تاریخ نیز در ورای توصیف یا شرح و یا روایت، باید به کار

-
- ۱- ثواقب، جهانبخش. ۱۳۸۵. روش تحقیق با تأکید بر تاریخ. چاپ اول. انتشارات نوید شیراز، ص ۱۵۷.
 - ۲- نبوی، بهروز. ۱۳۸۲. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی. چاپ بیست و یکم. موسسه عالی حسابداری، صص ۶۵ - ۶۶.

تبیین پرداخت و حوادث را در مجموعه های خاص آنان قرار داد^۱. تبیین به معنای توضیح دادن، آشکار کردن، روشن یا قابل درک کردن^۲. تبیین مختص هیچ نوع علمی نیست، بلکه موضوعی شناخت شناسانه و متعلق به نظریه شناخت به مفهوم کلی آن است^۳. تاریخ یکی از آن حوزه هایی است که برای شناخت آن باید دیدگاه ذهنی را هم مد نظر قرار داد. تاریخ در باره انسان ها - کنش ها و دردو رنج های آن هاست. درک کامل اعمال و گرفتاری های آن ها مستلزم این است که تا اندازه ممکن به دنیای برداشت ها، واکنش ها، محاسبات و احساسات آنها راه یابیم این کارهای بصیرت بخش نه تنها برای درک کنش های گذشته ثبت و ضبط شده ضروری است بلکه برای درک نحوه و شکل گیری این رویدادهای مضبوط که منبع اصلی مورخ است نیز ضرورت دارد^۴. در حقیقت به درستی می توان گفت که تاریخ یک چیز نیست چندین چیز است. تاریخ، هم عبارت است از چیزی که اتفاق می افتد و هم تصویری که از آن چیز در ذهن می سازیم. تاریخ نخست، همان چیزی است که ما می خواهیم باور کنیم، یعنی مجموعه ای از رویدادها یا موقعیت های عینی یا وجودها ی در خورشناسایی و قابل تشخیص واقع شده در زمان و مکان معین است. تاریخ دوم، ذخیره، یادآوری، بازآفرینی و بازفهم آن رویدادها است و بالاخره تاثیر آن ها بر شیوه بر خورد ما با رویدادها و موقعیت های کنونی^۵. تاریخ شفاهی در قلمرو تاریخ دوم قرار می گیرد. تمام اطلاعات تاریخی بر پایه اطلاعات گذشته است و تاریخ شفاهی یکی از راههای جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با مردم است^۶. تجربیات، مشاهدات، مناسبات و جستجو های هر فرد

۱- ساروخانی، باقر. ۱۳۸۸. *روش های تحقیق در علوم اجتماعی جلد دوم بینش ها و فنون*. چاپ هشتم.

تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۲۱۷.

۲- استنفورد، مایکل. ۱۳۸۲. *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گلمحمدی. چاپ اول. تهران: انتشارات نی.

درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گلمحمدی. چاپ اول. تهران: انتشارات نی، ص ۱۵۹.

۳- استنفورد، مایکل. همان، ص ۲۰۵.

۴- همان، ص ۱۰۱.

۵- همان، ص ۴۲۱.

۶- حسن آبادی. همان، ص ۲۲.

در زندگی روزمره مجموعه ای از اطلاعات را در ذهن وی انبار می کند. این اطلاعات خام به منزله آگاهی وی از یک پدیده نیستند. آگاهی فرد تنها زمانی حاصل می شود که وی این مجموعه اطلاعات را با مجموعه های گزینش شده ای از خاطره های ذی ربط آمیخته و پردازش کند. نتیجه این پردازش تعیین موقعیت وی با جهان پیرامون و به ویژه پدیده ای است که با آن مواجه شده است. شناخت فرد از موقعیت خود در ارتباط با پدیده و با جهانی که وی و این پدیده در آن موجود شده اند، به منزله آگاهی وی در خصوص همان پدیده تلقی می شود. آگاهی های فرد در خصوص یک پدیده در هر لحظه به مجموعه خاطره هایش در قالب داستان زندگی افزوده می شود. بنا براین در هر مصاحبه پژوهشگر، پاسخگو را ترغیب به روایت مناسبات زندگی روزمره اش در خصوص پدیده مورد بحث می کند. اما همواره آن بخشی از آگاهی در ذهنیت جمعی نقش می بندد که حاوی تعیین کننده ترین نگرش ها و گرایش های پاسخگو باشد^۱. مصاحبه در تاریخ شفاهی بر اساس موقعیت های مصاحبه کننده و مصاحبه شونده شکل می گیرد. در دیدگاهی که مصاحبه در تاریخ شفاهی را کشف واقعیت می داند، و مصاحبه از جنس دیالوگ است، تبیین وقایع در کل فراگرد مصاحبه از ویژگی های مهم مصاحبه است. براین اساس دیالوگ نوعی تفکر ناشی از ارتباط برای فهم و ادراک معنی در باره مسئله مشترک است و منجر به کشف واقعیت و امور تبیینی می شود^۲. رویکرد کیفی به دنبال ادراک معنی یا ماهیت تجارب افراد است. پژوهش کیفی، شیوه های کارآمد برای فهم جزئیات پیچیده مربوط به پدیده هایی مانند احساسات، فرآیند های فکری و هیجانات است که ادراک آن ها از طریق شیوه های متداول تر، به آسانی امکان پذیر نیست. رویکرد کیفی، همچنین می تواند در کشف حوزه هایی کاربرد داشته باشد که دانسته های اندکی در مورد آن وجود دارد^۳. پژوهش کیفی همچنین می تواند رهیافت موثری در روش پژوهش برای

۱- سعیدی، احمد؛ هاشمی مقدم، امیر؛ میرزایی، حسین علی؛ حسین زاده، فهیمه. ۱۳۸۹. *درآمدی بر روش های کمی و کیفی تحقیق در علوم اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان، صص ۲۱۸-۲۱۷.

۲- کاموس. همان، صص ۳۶-۳۲

۳- حریری، نجلا. ۱۳۸۵. *اصول و روش های پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ص ۴۰.

دستیابی به اطلاعاتی باشد که در اعماق ذهن پاسخگو قرار دارند و به آسانی نمی‌توان به آن دست یافت^۱. و آنگونه که دلاور بیان می‌کند دارای نقاط قوت در انعطاف پذیری، مشاهده و ادراک عمیق پدیده‌ها است. در این روش پدیده در دنیای واقعی و محیط و وضعیت طبیعی و نه ساختگی بررسی می‌شود. این روش توانایی جذب و دستیابی به نظرهای ششخص را دارد، نظرهایی که در ارتباط با زندگی هستند و از آن ناشی می‌شوند و نه تنها می‌توان به سؤال‌های از پیش تعیین شده پاسخ داد، بلکه محقق توانایی پاسخ‌گویی به سؤال‌های مطرح شده در زمان اجرای تحقیق را نیز دارد^۲. تاریخ شفاهی (Oral History) که بنا به ماهیتش از ویژگی انعطاف‌پذیری و سیال بودن برخوردار است قابلیت شکل‌گیری در ظرف‌های مختلف پژوهشی را دارد^۳. به کارگیری همزمان روش‌های مختلف از میان حوزه‌های مختلف پژوهشی، به معنی یک فعالیت میان‌دانشی نیست، بلکه باید روش‌ها و نظریه‌ها به شکل روشمند با هم درآمیزند^۴. مطالعه هر پدیده از نگاه شناخت‌شناسی، ممکن است به دو گونه انجام شود: پژوهش ممکن است برای رسیدن به اصل قطعی یا فهم نسبی آن پدیده انجام گیرد. به طور عمومی در یکی ما به دنبال علت و معلول پدیده و در دیگری، به دنبال فهم تلقی انسان از پدیده، یا فهم رفتار انسانی پدیده هستیم^۵. به طور بدیهی، تاریخ شفاهی صرفاً به مجموعه‌ای از اطلاعات شفاهی گردآوری شده قلمداد نمی‌شود بلکه تولید اطلاعات ارزشمند از طریق گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به شکل روشمند است که می‌شود از مطالعه مبتنی

۱- سعیدی و همکاران. همان، ص ۲۱۵.

۲- دلاور، علی. ۱۳۸۵. *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات رشد، صص ۲۶۳-۲۶۲.

۳- حسن آبادی، ابوالفضل. ۱۳۸۵. *تاریخ شفاهی در ایران*. چاپ اول. مشهد: انتشارات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ص ۲۰۹.

۴- مسعودی نژاد، رضا. ۱۳۸۵. «اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری»، در *در مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی به کوشش اداره اطلاع‌رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی*، ص ۱۵۷.

۵- مسعودی نژاد. همان، ص ۱۴۹.

بر تاریخ شفاهی به موثرترین روش ها در فهم منطق اجتماعی و فضای تحول زندگی اجتماعی مردم پی برد^۱ استفاده از شیوه های کیفی در مطالعات تاریخ شفاهی شامل لحاظ کردن رویکرد روش شناختی و استفاده از وجوهی در روش کیفی است که می تواند از طریق تاریخ شفاهی بدان دست یافت. بدیهی است که این به معنی نفی شیوه های دیگر مطالعات نیست. بلکه بدان معنی است که از نظر روش شناختی جایگاه پژوهش در تاریخ شفاهی تبیین شود. تجربه های بدست آمده از کاربرد روش های میدانی و مصاحبه در تاریخ شفاهی نشان می دهد که همواره می تواند میان پژوهشگر تاریخ شفاهی و واقعیت جاری در پدیده مورد مطالعه فاصله وجود داشته باشد. این امر می تواند از عدم پیروی از بافت های نظری و تئوریک لازم در به کارگیری درست روش های شناختی مانند روش پژوهش کیفی ناشی شود و خطاهای شناختی بسیاری را به وجود آورد. و در اعتبار بخشیدن به پژوهش های تاریخ شفاهی تعیین کننده باشد.

روش های مبتنی بر پژوهش کیفی قادر به حذف یا تقلیل ابعاد منفی پژوهش های تاریخ شفاهی مبتنی بر روش میدانی و مصاحبه می باشد. در سال های اخیر پژوهش کیفی در حوزه علوم اجتماعی و با بهره گیری از رویکرد پدیدارشناسی توانسته است به روش های موثری در شناخت نظرات و سوگیری های بنیادی و تعیین کننده افراد دست یابد.

پدیدارشناسی به منزله روش تحقیق کیفی

پدیدارشناسی از واژه یونانی فنومو به معنی آشکار گرفته شده است، به معنی مطالعه فلسفی ساختار تجربه های ذهنی و خود آگاهی است، یک جنبش گسترده فلسفی است که در اوایل قرن بیستم توسط ادموند هوسرل^۲ تاسیس و توسط پیروانش در دانشگاه های گوتینگن^۳

۱- مسعودی نژاد. همان، ص ۱۴۳.

۲- Edmund Husserl

۳- Gottingen

و مونیخ^۱ در آلمان گسترش یافت سپس به فرانسه، ایالات متحده و دیگر نقاط دنیا گسترش پیدا کرد. پدیدار شناسی در مفهوم اولیه مورد نظر هوسرل نوعی مطالعه ساختار آگاهی و پدیده‌هایی است که در عمل آگاهانه انعکاس می‌یابد^۲. پدیدار شناسی منحصر به ساختارها و فعالیت‌های آگاهی بشر می‌پردازد و پیش فرض اصلی آن این است که دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم در آگاهی ما خلق شده است و دنیای خارج با اینکه وجود خارجی دارد از طریق آگاهی ما معنا پیدا می‌کند^۳. مفهوم آگاهی در پدیدار شناسی هوسرل آگاهی به چیزی است که شامل فرآیند آگاه بودن و موضوع آگاهی است. این فرآیند به صورت گوناگون مانند به خاطر آوردن، درک کردن، فهمیدن، و ارزیابی کردن ظاهر می‌شود. پدیدار شناسی آگاهی را پلی میان ذهن و عین می‌داند که این دو وجه به صورت واحدی در می‌آید و سرچشمه و اساس یکپارچگی شناخت است^۴. بنابراین منظور از توصیف پدیدار شناسانه چیزی نیست جز توصیف آنچه که در آگاهی ما ظاهر می‌شود. یعنی توصیفی نه بر اساس ذهنیت صرف عقل‌گرای و نه بر اساس محسوسات علوم تجربی بلکه توصیفی است که از طریق معنا بخشی ارادی پدیدارها - که پدیدارهای اجتماعی و انسانی سرشار از معانی اند - در آگاهی و فهم ما اکتساب خواهد شد و این آگاهی و فهم به طور شهودی و بلافصل از طریق دریافت ماهیت پدیدارها کسب می‌گردد، انجام پذیر است^۵. دارتینگ^۶ معتقد است پدیدار شناسی مطالعه یا شناخت پدیدار است، چون هر چیزی که ظاهر می‌شود، پدیدار است. او می‌گوید قلمرو پدیدار

۱- Munich

۲- Zehavi

۳- کرایب، یان. ۱۳۸۱. *نظریه اجتماعی مدرن از پارسنز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر. تهران: انتشارات آگه، ص ۱۲۴.

۴- توسلی، غلام عباس. ۱۳۸۶. *نظریه های جامعه شناسی*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص ۳۵۳-۳۵۲.

۵- ابراهیمی، پریچهر. ۱۳۶۸. *پدیدار شناسی*. چاپ اول. تهران: انتشارات نشر دبیر، ص ۲۶.

5- Dartigues

شناسی در عمل نامحدود است و نمی توان آن را در محدوده علم خاصی قرار داد^۱. از طرف دیگر، پدیدار شناسان اغلب در جستجوی فهم جامعه معاصر، به همان صورتی که هست و بنا شده است، هستند^۲. به طور کلی از نظر پدیدار شناس، ساخت یک جامعه عبارتست از اصول مرتبط به هم یا رشته هایی از اصول پیوسته و شمار زیادی از معانی اجتماعی که در سطوح متفاوت وجود داشته و عمل می کند^۳. به نظر شوتر گرایش طبیعی ذهن آدمی به دنیای خارج و موضوعات مشترک اجتماعی ایجاب می کند که آدمیان به طور طبیعی و ساده در زندگی روزمره، اموری را که با آن سر و کار دارند تفسیر کنند و به آنها معنا بخشند و آنها را مسلم و انکار ناپذیر بدانند. وظیفه اصلی پدیدار شناسی اجتماعی این است که به این جنبه مردمی که حاصل شعور عام یا مشترک و گرایش طبیعی آن ها است پردازد تا روشن شود که چگونه واقعیت های اجتماعی توسط مردم ساخته و پرداخته می شود و این همان جریان میان ذهنی در پدیدار شناسی است. بدین گونه پدیدار شناسی اجتماعی دو وظیفه بر عهده دارد: یکی توصیف و تصویر پدیده اجتماعی چنان که مردم در برخورد طبیعی خود آن را حس و تجربه می کنند، دیگر نشان دادن اینکه چگونه این پدیده در جریان فعالیت میان ذهنی در آگاهی مردم پدید می آید^۴. در واقع بنیادی ترین و نخستین اصل پدیدار شناسی این است که باید به "خود چیزها" روی آورد^۵. از این رو برای پژوهشگر

۱- دارتینگ، آندره. ۱۳۷۶. *پدیدار شناسی چیست*، ترجمه محمود نوالی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ص ۳.

۲- ابراهیمی. همان، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۲.

۴- توسلی، غلام عباس. ۱۳۸۶. *نظریه های جامعه شناسی*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و

تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، صص ۳۶۱-۳۶۰.

۵- ریخته گران، محمد رضا. ۱۳۸۲. *پدیدار شناسی، هنر و مدرنیته*. تهران: نشر ساقی، ص ۳۴.

ضروری است تا بتواند خود را به جای کنشگر اجتماعی بگذارد و با درک معانی ذهنی مورد استفاده آنان کنش های آن ها را بفهمد و به نوعی عینیت دست یابد^۱.

مفاهیم اساسی پدیدار شناسی

(۱) مفهوم آگاهی یا وجدان: یکی از اساسی ترین مفاهیمی است که مورد توجه همه پدیدار شناسان قرار گرفته است. این مفهوم نه فقط ضمیر یا وجدان ما، بلکه ماهیت و سرشت آگاهی ما از خودمان و از جهان زندگی و روابط میان وجدان ها را شامل می شود.

(۲) نیت داربودن یا جنبه ارادی آگاهی انسان: ساده ترین تعریف قصد مندی آن است که بگوئیم هیچ آگاهی وجود ندارد مگر آنکه به طور مطلق. آنچه را که آگاهی ما درک می کند فهمیدن یا قصد داشتن نسبت به آن چیزی است که قرار است بدان آگاهی داشته باشیم، یعنی وجه ذهنی با وجه عینی (پدیده) ملازم و همبسته است.

(۳) نگرش طبیعی: نشان می دهد که چگونه دنیای اجتماعی انسان در جریان میان ذهنی از سوی ذهن متعادل افرادی که در شبکه روابط اجتماعی به طور عادی فعالیت می کنند، ساخته و پرداخته شده و چه معانی بدان داده می شود و بدین ترتیب نوعی آگاهی مشترک و شعور عام و همگانی در باره معنا و مفهوم پدید می آید.

(۴) مفهوم جهان زندگی: تجربه ما از این جهان (روزمره زندگی) یک ادراک ساده و غیر علمی است و نوعی انعکاس ساده جهان در ذهن ما است که مقدمه و مبنای علم تحقیقی است.

(۵) ذهن مشترک یا میان ذهنیت: این مبنای زندگی مشترک و شعور عامی است که بر جامعه حاکم است. میان ذهنیت مبنای عمل اجتماعی یا در واقع وجه اشتراک خود پدیده ها

۱- بلیکی، نورمن. ۱۳۸۴. *طراحی پژوهش های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان. چاپ اول. تهران: انتشارات نی. بوریل، گیسون؛ مورگان، گارت. ۱۳۸۳. *نظریه های کلان جامعه شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان*، ترجمه محمد تقی نوروزی. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ص ۷۶.

در ذهنیت جامعه و در جهان زندگی است. ما از هر چیزی یک تفسیر اجتماعی داریم و آن، چیزی است که همه به طور مشترک برداشت می‌کنیم و از تجربیات یکدیگر بهره می‌جوئیم ارتباط ذهنی، ما را به دید مشترکی می‌رساند و هر کس خود را با سایر نظرات و برداشت‌ها هماهنگ و سازگار می‌کند. زیرا اگر در موضع خود بمانیم نمی‌توانیم تمام جهات مسئله را درک کنیم.

۶) جهان فرهنگی: از دیدگاه هوسرل، فرهنگ، ترکیب ذهنیت‌های متعالی است از

تجربیهایی که همه افراد بشر فهمیده‌اند^۱

پدیدارشناسی، هم به عنوان شیوه جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده)، هم به عنوان یک روش تحقیق (مجموعه نگرش کیفی و تحلیلی نسبت به یک موضوع تحقیق خاص)، و هم به عنوان یک نظریه (مجموعه نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح است. هدف پژوهش پدیدارشناسی، توضیح صریح و شناسایی پدیده‌ها آن گونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند است. در واقع پدیدارشناسی به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و بر حسب تجارب زیسته^۲ آنان در آن مورد می‌پردازد. بنا براین در پی فهم تجارب مشترک عده‌ای از مردم می‌باشد. پریست (۲۰۰۵) نیز معتقد است که کسانی که به طور واقعی در حال بسر بردن زندگی خویش در همجواری با پدیده مورد مطالعه هستند، تنها منبع مشروع داده‌هایی هستند که محقق می‌تواند با اتکا به آن به حقیقت پدیده دست یابد. بدین ترتیب پدیدارشناسی به کسب فهم عمیق تری از ماهیت و معانی تجارب روزمره کمک می‌کند (الوانی، بودلایی، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد پدیدارشناسی به منزله یک روش تحقیق کیفی، امروزه می‌تواند در مطالعات مربوط به مستندسازی و طرح‌های موضوعی، تاریخ شفاهی به عنوان یک رویکرد روش‌شناسانه مورد استفاده قرار بگیرد.

۱-بلیکی. همان، صص ۳۵۸-۳۵۲.

روش تحقیق پدیدار شناسی در تاریخ شفاهی

ابراز تحقیق در هر دانش، از جمله دانش های اجتماعی رو به تکامل دارند، محققان در پی آنند تا پدیده ها را بهتر بشناسند، شناخت آنان با واقعیت نزدیک تر باشد و در تخمین تغییرات و دگرگونی های مورد تحقیق توفیق بیشتری یابند. بنابراین در راه تحقق این هدف باید با ابزار و شیوه هایی دقیق تر به کار پژوهش پرداخت^۱. بررسی دقیق و عمیق ادبیات تحقیق باعث می شود که بتوان برای تحقیقی که در درون تحقیقات سنتی و بر پایه محتوای پژوهش های ذی ربط قرار دارد یک چهار چوب معقول و منطقی ارائه کرد^۲. به لحاظ معرفت شناختی، تحقیق پدیدار شناسی از حیث هدف تحقیق (تحقیق کیفی) برای اهداف اکتشاف و توصیف مناسب به نظر می رسد. اهداف اکتشافی پدیدار شناسی می تواند شامل آشنایی با حقایق و شرایط و مفاهیم بنیادی، ارائه تصویری ذهنی کلی از شرایط پدیده، تدوین سئوالات و فرضیه هایی برای هدایت پژوهش های آتی و اهداف توصیفی آن می تواند شامل ارائه تصویری مشروح و بسیار دقیق از پدیده، ارائه داده های جدیدی که ممکن است با حقایق و داده های پیشین در تناقض باشد، ارائه دسته ای از طبقه بندی ها و نوع شناسی ها، ارائه توالی گامها یا مراحل پژوهش و گزارش پیشینه و یا بستر یک موقعیت شود^۳. شیوه تاریخ شفاهی یکی از پدیده های جدید برای دستیابی به رهیافت های تازه، در مطالعات تاریخی است^۴. مفروضات معرفت شناختی مطالعات تاریخ شفاهی، معرفت را ماخوذ از معانی و مفاهیم خودآگاهی و معرفت دو جانبه برخاسته شده اجتماعی قلمداد می کند. پژوهشگر تاریخ شفاهی وارد دنیای درونی اجتماعی فرد می شود تا این معانی را بازتوصیف نماید. بازتوصیف ها می توانند به صورت نظریه هایی پرورنده شوند که برای اهداف توصیف و اکتشاف مناسب هستند. به نظر می رسد ما نیازمند روش هایی هستیم که به کشف و افشای کل یک پدیده بینجامد. فیلبس (۱۹۷۶) معتقد است

۱- ساروخانی. همان، ص ۴۵۷.

۲- ثواقب. همان، ص ۳۳۵.

۳- الوانی، بودلایی. همان.

۴- حسن آبادی. همان، ص ۲۱.

که کشف به عنوان عمل نگریستن به یک پدیده به طور کامل و یا آگاهی در مورد ویژگی های پدیده که موجب متمایز شدن آن از سایر پدیده ها می گردد می شود^۱. روش های جمع آوری داده ها در تحقیقات کیفی و تحقیق پدیده شناسی عبارت اند از: مشاهده، مصاحبه و یادداشت برداری میدانی^۲، اسناد و مدارک یا اغلب ترکیبی از این روش ها می باشد^۳. ابزار گردآوری داده ها در تاریخ شفاهی عموماً مصاحبه های نیمه ساخت مند است که البته می توان از دیگر انواع فنون گردآوری داده ها مانند بررسی اسناد نیز بهره گرفت.

گردآوری و تحلیل داده ها در پژوهش تاریخ شفاهی مبتنی بر روش پدیدار شناسی آماده سازی برای گردآوری داده ها در چهار مرحله است:

۱- تنظیم سؤال: تعریف واژه های پرسش

۲- انجام مروری بر مبانی نظری و تعیین ماهیت اصیل پژوهش

۳- توسعه معیارهایی برای برگزیدن مشارکت کنندگان، مانند کسب آگاهی و حصول اطمینان از قابلیت اعتماد، ایجاد توافق در مورد زمان و مکان مصاحبه و کسب اجازه جهت ضبط و انتشار

۴- توسعه ابزار و پرسش ها و موضوعات هدایت کننده مصاحبه پدیدار شناسی.

مصاحبه، به عنوان اصلی ترین روش جمع آوری در پژوهش پدیدار شناسی شناخته شده است که موقعیتی را فراهم می آورد تا شرکت کننده دیدگاه خود را نسبت به دنیا را آن طور که تجربه کرده با استفاده از زبان و لغات خاص خود تشریح کند^۴. همان طور که دکتر نورایی بیان می کند مصاحبه در پروژه های تاریخ شفاهی می تواند مبتنی بر چند هدف اصلی مانند بازشناسی، آشکار ساختن وقایع ناشناخته و جنبه های آن، پرداختن به حیطه های حیات روزمره طبقه های غیر مسلط جامعه و یافتن و بازسازی احساسات و هیجانها اطراف وقایع و

۱- الوانی، بودلایی. همان.

1- Field notes

۳- عابدی. همان.

۴- همان.

جریان های اجتماعی و مفاهیم واقعه باشد^۱. از منظر کاربرد روش پدیدار شناسی در پروژه های تاریخ شفاهی می توان بر اساس سه عنصر توجه به نوع پرسش، توجه به نقش محقق و روش گردآوری داده ها و نحوه تحلیل آن تحلیل و بررسی نمود.

نقش سؤال

در مورد نوع پرسش در تحقیق پدیدار شناسی از مشارکت کنندگان دو سؤال گسترده و عمومی پرسیده می شود: در مورد پدیده مورد نظر چه تجربه ای دارد؟ چه زمینه و وضعیتی مشخصا بر تجربه او از پدیده مورد نظر تاثیر گذار بوده است؟ که شامل پرسش های چه و چگونه می شود. پرسش "چه" عبارتست از پرسش از جوهره و ماهیت پدیده مورد نظر و اینکه فرد چه احساسی درباره آن پدیده دارد و چه معنایی در خصوص احساس او نسبت به پدیده شکل گرفته است؟ این گونه پرسش منجر به کشف موضوعی است که ریشه در معانی و ارزش های فردی و اجتماعی دارند. داده ها از افرادی گردآوری می شوند که تجاربی در خصوص پدیده مورد نظر دارند و شامل مصاحبه های عمیق و چندگانه با مشارکت کنندگان می شود. این مصاحبه با ۵ تا ۲۵ نفر که همه آن ها تجارب مشترکی از پدیده مورد نظر دارند را شامل می شود. از حیث هدف تحقیق نیز عموما برای اهداف اکتشاف و توصیف مناسب به نظر می رسد و شامل آشنایی با حقایق و شرایط و مفاهیم بنیادی و ارائه تصویری ذهنی کلی از شرایط پدیده است^۲. همان. پژوهشگر تاریخ شفاهی در این مرحله با استفاده از بکارگیری رویکرد پدیدار شناسی در صدد درک عمیق تر در مورد ویژگی های یک پدیده که عده ای در آن تجربیاتی مشترک دارند می باشد. این بدان معنی است که پدیده مورد بررسی برای گروه های متفاوت مردم چه معنی دارد. بدیهی است که تبیین انتخاب افراد در جهت نمایاندن موضوع، عمیقا به موضوع و بستر مطالعه وابسته است. اهمیت "نمایاندن"^۳ در عوض "نمونه

۱- نورایی. همان.

۲- الوانی و بودلایی. همان.

2- Typifying

کاربرد روش تحقیق پدیدار... / تاریخ پژوهش ۱۸۳

گیری "در مطالعات مبتنی بر تاریخ شفاهی، نکته ای اساسی را در بر می گیرد که باید برای انجام کار میدانی در هر مطالعه کیفی به درستی درک شود و آن اینکه مصاحبه شوندگان باید به گونه ای انتخاب شوند که بتوانند نمایاننده موضوع و دوره مورد مطالعه باشند^۱

نقش محقق

نقش محقق در پدیدارشناسی هم عبارتست از: مشاهده گر همدل^۲ که می خواهد به نوعی عینیت دست یابد. در واقع نقش و هدف محقق ورود به تجربه مشارکت کنندگان و دیدن آن تجربه به شیوه یکسان با خود آنان است. در این معنی محقق و مشارکت کنندگان در تحقیق همکار هستند. برای پژوهشگر ضروری است تا بتواند خود را به جای کنشگر بگذارد. فقط با درک معنای ذهنی کنشگران اجتماعی است که می توان معنای کنش های اجتماعی آنان را فهمید^۳. ویژگی اصلی این پژوهشگران نگرینستن به جهان اجتماعی- کنش و رویدادهای اجتماعی از دیدگاه مردم مورد مطالعه است. این پایبندی شامل رخنه به چارچوب های معنایی در بر گیرنده فعالیت های آن هاست. برای انجام این کار لازم است محقق به زبان روزمره ای که کنشگران اجتماعی در ارتباط با پدیده تحت مطالعه به کار می گیرند، تسلط داشته باشند و معرفت دوجانبه آنها و مفاهیم و معانی مرتبط با این مفاهیم را کشف کنند. این کند و کاو در واقعیت، و در زبانی که این واقعیت در آن جای دارد مستلزم آمیختگی با زندگی مردم از طریق مشاهده مشارکتی و یا مصاحبه ژرف نگر گسترده است^۴. محقق تاریخ شفاهی همانند یک پذیرش کننده همدل در فرآینده رویارویی و مصاحبه درگیر می شود. مستند سازی در اینجا بسیار اهمیت دارد و ثبت به عنوان نوعی تلاش برای مرتب کردن جهان مصاحبه شونده است

۱- مسعودی نژاد، رضا. ۱۳۸۵. «اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آنست در مطالعات شهری»، در *در مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی به کوشش اداره اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی*، صص ۱۴۸-۱۴۹.

1- Empathic observer

۳- بلیکی. همان، ص ۷۶.

۴- بلیکی. همان، ص ۳۲۴.

که از طریق بازسازی وقایع صورت می گیرد^۱. در این میان شنونده بودن نقش مهمی را ایفا می کند. محقق باید از مهارت های دقیقی در زمینه مشاهده، شنودن، حافظه کوتاه مدت و نوشتن منظم برخوردار باشد. چگونگی توجه به جزئیات و حافظه کوتاه مدت همچنین استفاده از دفترچه یادداشت روزانه روش خوبی برای نگارش یادداشت های میدانی خواهد بود. بهتر است محقق مصاحبه را با موضوعات محلی و عام آغاز کند، نه با فرضیات خاص. او در مرحله اول نیازمند اطلاعات است. اما در مراحل بعدی تحقیق می توان به طرح ایده های جدیدی پرداخت. در این مورد شیوه ورود و دستیابی را می توان به یک نردبان تشبیه کرد. محقق از پله اول آغاز می کند که دسترسی بدان آسان است زیرا او در جستجوی اطلاعات عمومی است. مرحله بعد، مستلزم افزایش میزان دسترسی است. اما در همین مرحله هم او مانند یک مشاهده گر غیر فعال عمل می کند، آنچه را مصاحبه شونده می گوید مورد چون و چرا قرار نمی دهد. مرحله دیگر، مرحله ای است که با گذشت زمان و در جلسات بعد، محقق به جستجوی مواردی خاص می پردازد که بالقوه حساس است و در پی دست یافتن به وضوح و بدهت پدیده مورد مطالعه است. رسیدن به این مرحله دشوار است. سرانجام محقق می تواند در پی شکل دادن به تعامل خود با مصاحبه کننده، به اطلاعات و ذهنیت تفسیری فرد نسبت به پدیده مورد مطالعه دسترسی پیدا کند. رسیدن به این بالاترین مرحله مستلزم کسب اعتماد عمیق است. در طی این مرحله، محقق می تواند از روش های یادداشت برداری مبتنی بر استنباط و یادداشت برداری تحلیلی استفاده کند. در یادداشت برداری مبتنی بر استنباط محقق سعی می کند با استفاده از دانش فرهنگی خود، سرنخ های کلامی و آنچه که گفته می شود به دریافت معانی اجتماعی آن ها نایل آید. یادداشت های تحلیلی نیز بخشی از یادداشت های نظری برای دست یابی به نظریه هستند. بدین گونه محقق در ضمن دوباره خواندن یادداشت ها و اندیشه و تامل در باره آن ها به اصلاح و بسط نظریه و یا ایده خود در مورد

۱- بوریل، گیسون؛ مورگان، گارت. ۱۳۸۳. *نظریه های کلان جامعه شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان*. ترجمه محمد تقی نوروزی. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت). ص ۳۵۹.

پدیده مورد نظر می پردازد^۱. علاوه بر این محقق باید دارای برخی از ویژگی های خاص باشد تا امکان دسترسی به داده هایی که شرکت کنندگان دارند، فراهم گردد. توانایی برقراری ارتباط روشن و واضح و کمک به احساس راحتی و آسایش در زمان بیان تجربیات، از ویژگی های اساسی و ضروری یک محقق پدیده شناس است. محقق در اصل ابزار جمع آوری داده ها محسوب می شود. محقق باید متوجه باشد که ویژگی های فردی چون طرز صحبت کردن، جنس، سن و دیگر خصوصیات شخصیت می توانند در بازیابی داده ها تاثیر بسزایی داشته باشند^۲.

روش گردآوری و تحلیل داده ها

روش ها ابزار ورود به واقعیت هستند. زمانی که روش تحقیق مشخص است و نظریه منطبق با آن پارادایم انتخاب می شود، محقق اقدام به ورود به واقعیت مورد مطالعه می نماید. اصول اساسی رویکرد پدیدار شناسی که در تحقیقات تفسیری لحاظ می شود، بر محوریت معنا، تفسیر، تفهم و زندگی روزمره استوار است. پارادایم تفسیری معتقد است که دنیای اجتماعی بر خلاف دنیای فیزیکی مستقل از آگاهی انسان وجود ندارد. بنابراین دنیای اجتماعی واقعیتی از پیش تعیین شده نیست که محققان آن را کشف نمایند. بر این اساس زندگی اجتماعی بدان صورتی که مردم آن را تجربه می کنند و به آن معنا می بخشند، موجودیت می یابد و توضیح آن صرفا از زاویه دید آنان امکان پذیر است^۳. دیلتهای^۴ (۱۹۱۱) معتقد است مطالعه تاریخ انسان، باید مبتنی بر این واقعیت باشد که انسان ها مخلوقاتی هدفمند هستند. زندگی آن ها در واقعیتی پیچیده شده که برای آن ها دارای معنا است. روش باید به شناخت کنش ها، رویدادها و فراورده ها از درون زندگی انسان پردازد. بر این اساس درک و تفهم این

۱- ایمان، محمد تقی؛ غفاری نسب، اسفندیار. ۱۳۸۹. «مبانی روش شناختی تحقیق میدانی و چگونگی انجام آن»، فصلنامه پژوهش سال دوم، شماره دوم.

۲- استرابت، هلن جی و کارینتر، دانارینالدی. ۱۳۸۹. *تحقیقات کیفی در پرستاری*، ترجمه آلیس خاجیان و مصطفی شوکتی احمد آباد. چاپ اول. تهران: انتشارات سالمی - جامعه نگر، صص ۹۹ - ۱۰۰.

۳- ایمان. همان.

پدیده‌ها مستلزم وجود تجربیات زیسته دیگران است که از طریق فهم معنای درونی، می‌توان آن‌ها را درک کرد^۱. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیق پدیدارشناسی، هدف محقق کشف و تولید توصیفی از تجربه زنده است. مراحل عملی برای رسیدن به این هدف با توجه به رویکردی که بوسیله محقق اتخاذ می‌شود متفاوت است. در حقیقت پدیدارشناسی رویکردی تحقیقی ترکیبی است که مستلزم استفاده از توصیف و تفسیر است. در توصیف آنچه که وجود دارد، بدون اینکه چیزی از آن اضافه یا کم شود به شکل داده شرح داده می‌شود. به گفته Giorgi (۱۹۹۲) "توصیف هرگز کامل نیست" و استفاده از رویکرد تفسیر پدیده می‌تواند در کنار توصیف روش مفیدی برای بررسی پدیده‌های که برای مطالعات به صورت پروژه در نظر گرفته می‌شوند باشد. کلایزی (۱۹۷۸)، جیورجی (۱۹۸۵) و وان کام (۱۹۶۶) مراحل عملی متفاوتی را برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش پدیدارشناسی مطرح کرده‌اند که بسیاری از این مراحل شبیه به هم هستند و همپوشانی دارند. کلایزی همچنین محقق را تشویق می‌کند که نسبت به این مراحل انعطاف پذیر باشند. دیکلمن و همکاران (۱۹۸۹) روش هفت مرحله‌ای را پیشنهاد می‌کنند که روشی برای آشکار کردن جوهره پدیده و معنای آن در درون یک زمینه تعریف شده است. این مراحل عبارتند از:

- ۱- خواندن مصاحبه‌ها برای دریافت یک ایده کلی
- ۲- نوشتن خلاصه‌های تفسیری و جستجو برای موضوعات بالقوه
- ۳- تجزیه و تحلیل نوار پیاده شده برای تفسیر گروهی و تیمی
- ۴- رجوع به متن یا مصاحبه شوندگان برای روشن نمودن موضوعات معین
- ۵- مقایسه متون برای تعیین معانی رایج و اعمال مشترک
- ۶- تعیین الگوهای مرتبط با موضوعات
- ۷- سؤال از گروه مفسر و دیگر همکاران برای پیشنهادات در طرح نهایی^۲.

۱- ایمان و غفاری نسب. همان.

۲- هالوی، ایچی؛ ویلر، استفانی. ۱۳۸۵. روش‌های تحقیق کیفی در پرستاری، ترجمه حیدر علی عابدی و همکاران. چاپ اول. تهران: انتشارات بشری، صص ۱۴۱ - ۱۴۶.

کاربرد روش پدیده شناسی به محققین تاریخ شفاهی کمک می کند تا با استفاده از این رویکرد به مطالعه عمیق پدیده پردازند و قادر باشند در مرحله تدوین پروژه های تاریخ شفاهی یک سیستم تفسیری و تبیینی ایجاد کنند که به کمک آن بتوانند تجارب شخصی و هر چیزی که در محدوده تجارب زندگی است را با همان ویژگی های اولیه و اصلی درک و منتقل نمایند. و نهایتاً محققین این روش قادر خواهند بود با استفاده از شیوه های مثل توصیف، تصور و تفکر و با درک کلی از پدیده های تحت مطالعه به ارائه نظریه مرتبط با تجارب زیستی فردی و اجتماعی و یا رفتارهای انسانی بپردازد. زمانی که یک تجربه زنده مبنای توصیف یک پدیده قرار می گیرد، محقق مسئولیت های ویژه ای در تغییر و تبدیل اطلاعات به دوش دارد. رین هارز^۱ (۱۹۸۳) به نقل از استرابت پنج مرحله را در تبدیل و تغییر اطلاعات پدیده شناسی اثبات کرده است که در این مقاله با تطبیق بر روش پژوهش در تاریخ شفاهی به آن پرداخته می شود.

۱- اولین مرحله تبدیل و تغییر در تجارب انسانی، تغییر در زبان است. استعداد سخن گفتن برجسته ترین ویژگی انسان است و زبان جزء جدایی ناپذیر تفکر منطقی، احساسات و همه عناصر مشخصه زندگی درونی اوست^۲ در طی این مرحله محقق از طریق یک تعامل کلامی، در جستجوی فرصتی است تا در تجارب زنده سهمیم شود. در این مورد به طور مثال در مقابل هویت هشت سال دفاع مقدس مصاحبه شونده با واژه هایی آن را مطرح می کند که که معنا و مفهوم زندگی در آن شرایط را با مدارک زنده و مهم به عنوان هویت ارزشی در نظر گرفته شود. محقق باید برای این افراد و خود فرصتی را جهت زندگی در آن شرایط (با استفاده از ابزار رسانه ای) فراهم کند تا در تجارب آنان سهمیم باشد.

۲- دومین تغییر زمانی اتفاق می افتد که محقق آنچه را که شنیده یا دیده، به درک تجارب اولیه و اصلی تبدیل می کند. رین هارز معتقد است به دلیل اینکه هیچ وقت شخصی

1-Reinharz

۲- هولستی، ال-آر. ۱۳۷۳. *تحلیل محتوی در علوم انسانی و اجتماعی*، ترجمه نادر سالارزاده. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱.

نمی‌تواند. دقیقاً تجربه شخصی دیگران را با همان ویژگی‌ها در خود ایجا کند، محقق باید به داده‌های شرکت‌کنندگان در مورد آن تجربه خاص اعتماد و تکیه کند. در مثال فوق محقق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را توصیف می‌کند تا به درک واقعی از تجارب اولیه و اصلی ایشان داشته باشد.

۳- در مرحله سوم محقق آنچه را که در مورد پدیده تحت مطالعه ادراک کرده است را به طبقه‌بندی مفهومی تبدیل می‌کند که همان ذات و ماهیت تجارب اصلی و اولیه محسوب می‌شود. تشکیل مفاهیم چنان‌که نیومن^۱ اشاره می‌کند بخشی یکپارچه از تحلیل داده‌ها است. و در جریان گردآوری داده‌ها آغاز می‌شود. در بسیاری از پژوهش‌های کیفی، تحلیل داده‌ها با تشخیص مضمون‌ها و الگوهای کلیدی آغاز می‌شود و برای انجام این کار، داده‌ها رمزگذاری می‌شوند. هدف پژوهشگر کیفی بیرون کشیدن مفاهیم از دل داده‌هاست و رمزگذاری به عنوان وسیله‌ای برای این منظور به کار می‌رود. شیوه‌های تحلیلی خاصی که مبنای رمزگذاری داده‌ها هستند، انواعی از پیوندها را ایجاد می‌کنند. به این ترتیب محقق با در کنار هم قرار دادن بخش‌هایی از داده‌ها، مقوله‌هایی را به وجود می‌آورد که عناصر یا ویژگی‌های مشترکی دارند و در یک مفهوم واحد طبقه‌بندی می‌شوند.^۲ تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های مربوط به معنا و مفهوم زندگی در جنگ، به تشریح و توصیف ذات و ماهیت این پدیده می‌پردازد. برای مثال ممکن است داده‌ها نشان دهند که ماهیت زندگی در جنگ، دارای تجارب خاصی در وحدت عقیده و رویه باشد.

۴- چهارم، محقق ذات و ماهیت‌ها را به صورت اسناد کتبی ارائه می‌کند تا بتواند آنچه را در مورد تجارب زنده فکر می‌کرد را توصیف و اثبات کند. و آن را به توصیفات یا اعمال شرکت‌کنندگان انعکاس دهد. در تمامی این فرآیند، ممکن است اطلاعات مفقود یا تقویت

1- Neuman

۲- حریری، نجلا. ۱۳۸۵. اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، صص ۲۴۱ - ۲۴۰.

شوند بنابراین مرور مجدد بر نوشته های نهایی، جهت اطمینان از وجود تمامی اطلاعات و عدم حذف یا اضافه آن ها، ضروری و لازم به نظر می رسد.

۵- در مرحله پنجم، محقق اسناد کتبی را به درک مشترکی تبدیل می کند تا تمامی مراحل پیشین روشن و واضح گردد. هدف این اسناد کتبی در قبال توصیف های جامع و کامل، ترکیب و اثبات معنا و مفهوم تجارب به شکل کتبی، بدون هرگونه دخل و تصرف یا کم و زیاد کردن داده ها است. به عبارتی دیگر توصیف جامع و کامل کیفیت زندگی در جنگ می تواند عمق تجارب مربوط به افرادی که رزمنده بوده اند را مشخص کند^۱. به طور خلاصه مرحله تحلیل داده ها شامل مراحل زیر است:

جدول ۱ شیوه تحلیل داده های پدیدار شناسی

منبع: (کرسول، ۲۰۰۷، به نقل از اعرابی و بودلایی، ۱۳۹۰)

مدیریت داده ها	خلق و سازماندهی برای داده ها
خواندن یادداشت ها	خواندن متن، نگارش یادداشت های حاشیه ای، کدهای رسمی، ابتکاری
توصیف کردن	توصیف تجارب فردی از طریق توصیف ماهیت و جوهره پدیده
طبقه بندی	توسعه گزاره های مهم گزاره های گروهی در درون واحد های معنی
تفسیر	توسعه یک توصیف محتوایی (چه چیزی رخ داده) توسعه یک توصیف ساختاری (چگونگی تجربه کردن پدیده) توصیف ماهیت و جوهره
ارائه و مجازی سازی	تدوین و ارائه مکتوب یک توصیف از جوهر، تجارب و...

نتیجه

روش های تحقیق کیفی به کشف و تبیین تجارب زنده انسان ها، با توجه به اهمیت تجارب ذهنی آنان در شناخت ماهیت پدیده ها و اهمیت پذیرش این روش برای کسب دانش می پردازد.

۱- استرابرت و کارپنتر. همان، صص ۹۹-۱۰۰.

پدیده شناسی یک روش نیرومند، اساسی و منظم برای تحقیق و تفحص روی پدیده هاست، هدف تحقیق پدیده شناسی، تشریح و توضیح ساختار یا ماهیت تجارب زنده در مورد یک پدیده است و در جستجوی و ارائه یک معنای و مفهوم واحد است که نماد ماهیت و ذات آن پدیده و توصیفی دقیق از تجارب زنده روزمره آن پدیده باشد^۱. گاهی در مطالعات تاریخ شفاهی با تجارب خاصی مواجه می شویم که جزء تجارب زیسته گروهی از افراد هستند که در ماهیت و جوهره آن تجارب وجه مشترک دارند و ما نیاز داریم تا به تبیین ماهیت این ادراکات بپردازیم. جهت تصدیق و تائید این ادراکات، تحقیقات دقیقی به منظور کشف و توصیف دقیق و کامل پدیده مورد نظر باید صورت بگیرد. این فرآیند منجر به ارتقای درک و فهم و نهایتاً حصول نتایج بهتر در قلمرو تاریخ شفاهی می گردد. در این خصوص با توجه به آنچه که در بکارگیری منطق روش تحقیق پدیدار شناسی در تاریخ شفاهی و فرآیند اجرای این روش به آن اشاره شد، روش پدیدار شناسی به عنوان یک روش تحقیق کیفی در شکل گیری بدنه اصلی مطالعات روش شناسانه تاریخ شفاهی نقش چشمگیری دارد. سابقه شکل گیری تاریخ شفاهی در ایران به بیش از دو دهه قبل و همزمان با شروع جنگ ایران و عراق برمی گردد. در این جنگ اقداماتی جهت ثبت و ماندگاری صدای فرماندهان و رزمندگان به شکل پراکنده صورت گرفت. حاصل آن هزاران ساعت مصاحبه بود که در آرشیو جنگ سپاه نگهداری می شود. مؤسساتی مانند مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و مرکز اسناد انقلاب اسلامی فعالیت های خود را از اواخر دهه ۶۰ و اداره آرشیو تاریخ شفاهی سازمان اسناد ملی ایران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی از اوائل دهه هفتاد هر کدام در زمینه های خاص خود به مقوله تاریخ شفاهی پرداختند. پس از ایجاد اداره اسناد در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، با الگوبرداری از سازمان اسناد ملی ایران در اواخر سال ۱۳۷۶ آرشیو تاریخ شفاهی شروع به کار نمود. در سال ۱۳۸۲ با اصلاح چارت سازمان کتابخانه و تبدیل اداره اسناد به «مدیریت امور اسناد و مطبوعات» این آرشیو از ابتدای سال ۸۳ به عنوان یک بخش مستقل به فعالیت خود ادامه می دهد (نظرزاده، ۱۳۸۸). تاکنون اکثر مطالعات انجام شده در بخش تاریخ شفاهی بر محوریت مصاحبه و مصاحبه کننده و روش های آن

بوده است و هیچ کدام از تحقیقات به طور مشخص رنگ و بوی تحقیقات کمی یا کیفی را نداشته اند. مانند تاریخ گروه های مختلف، افراد و ... به هر حال افرادی که به طور حرفه ای در حوزه تاریخ شفاهی فعالیت می کنند به خوبی می دانند که مصاحبه و تحقیقات میدانی نوعی فعالیت ذهنی است و بستگی به میزان شناخت مصاحبه کننده از مصاحبه شونده و تجارب زنده این افراد دارد. پدیده هایی از این نوع مانند تاریخ گروه های مختلف و افراد در مطالعات تاریخ شفاهی نیازمند رویکرد مناسبی هستند تا ماهیت و شالوده بی نظیر و منحصر به فرد آن ها مورد بررسی قرار گیرد هر کدام از این حیطه ها را می توان با رویکرد کیفی پدیدار شناسی غنی تر و پر بارتر ساخت. همانطور که استرابت (۲۰۰۷) بیان می کند پدیدار شناسی جهت کشف و تبیین تجارب مختلف و تسهیل درک تجارب ذهنی و جذاب کاربرد بسیاری دارد. اگرچه تاریخ شفاهی ماهیت میان رشته ای دارد و تاکنون توافق و اجماعی بر سر حصول به چهار چوب معرفت شناسانه آن صورت نگرفته است اما روند مطالعات تاریخ شفاهی در طول سالیان اخیر نشان می دهد که این حوزه در ادامه حیات علمی خویش بر شناسایی ماهیت پدیده ها تاکید دارد. لذا بهره گیری از روش شناسی های حوزه انسان شناسی نظیر پدیدار شناسی، اگر درست فهمیده شود می تواند سهم و حضور پر رنگی در مطالعات تاریخ شفاهی داشته باشد. بدین منظور لازم است یک بررسی جامع و منظم و اصولی در مورد پدیدار شناسی و انواع آن (پدیدار شناسی متعالی، روان شناختی، تاویلی، وجودی و ...) به عمل آورد. بر همین اساس می توان با پیش فرض های را برای فهم روشن و دقیق تری در استفاده از رویکرد پدیدار شناسی در مطالعات تاریخ شفاهی را تعیین و بر قلمرو مطالعات تاریخ شفاهی بر اساس روش کیفی پدیدار شناسانه پرداخت یافته های این گونه تحقیقات ممکن است بینش جدید و بومی را بر مجموعه روش ها و پژوهش های تاریخ شفاهی بیفزاید.

کتابنامه

- ابراهیمی، پریچهر. ۱۳۶۸. *پدیدارشناسی*. چاپ اول. تهران: انتشارات نشر دبیر.
- استرابت، هلن جی و کارینتر، دانارینالدی. ۱۳۸۹. *تحقیقات کیفی در پرستاری*، ترجمه آلیس خاچیان و مصطفی شوکتی احمد آباد. چاپ اول. تهران: انتشارات سالمی - جامعه نگر.

استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. ۱۳۸۵. *اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها*، ترجمه بیوک محمدی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. استنفورد، مایکل. ۱۳۸۲. *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گلمحمدی. چاپ اول. تهران: انتشارات نی.

ایمان، محمد تقی؛ غفاری نسب، اسفندیار. ۱۳۸۹. «مبانی روش شناختی تحقیق میدانی و چگونگی انجام آن»، *فصلنامه پژوهش سال دوم*، شماره دوم.

بلیکی، نورمن. ۱۳۸۴. *طراحی پژوهش های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان. چاپ اول. تهران: انتشارات نی. بوریل، گیبسون؛ مورگان، گارت. ۱۳۸۳. *نظریه های کلان جامعه شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان*، ترجمه محمد تقی نوروزی. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

بونزه، ماریو؛ آردیلا، روبن. بی تا. *فلسفه روان شناسی و نقد آن*، ترجمه محمد جواد زارعان و همکاران. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

توسلی، غلام عباس. ۱۳۸۶. *نظریه های جامعه شناسی*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

ثواقب، جهانبخش. ۱۳۸۵. *روش تحقیق با تاکید بر تاریخ*. چاپ اول. انتشارات نوید شیراز. حریری، نجلا. ۱۳۸۵. *اصول و روش های پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

حسن آبادی، ابوالفضل. ۱۳۸۵. *تاریخ شفاهی در ایران*. چاپ اول. مشهد: انتشارات سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

خلیلی، محسن. ۱۳۸۵. «تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *در مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی به کوشش اداره اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی*.

دارتینگ، آندر. ۱۳۷۶. *پدیدار شناسی چیست*، ترجمه محمود نوالی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

کاربرد روش تحقیق پدیدار... / تاریخ پژوهش ۱۹۳

دلاور، علی. ۱۳۸۵. *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات رشد،

رفیعی، حسن؛ سجادی، حمیرا. ۱۳۸۷. *روش های تحقیق بین رشته ای در اعتیاد*. چاپ اول. تهران: دانژه.

ریخته گران، محمد رضا. ۱۳۸۲. *پدیدار شناسی، هنر و مدرنیته*. تهران: نشر ساقی.

ساروخانی، باقر. ۱۳۸۸. *روش های تحقیق در علوم اجتماعی جلد دوم بینش ها و فنون*. چاپ هشتم. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سعیدی، احمد؛ هاشمی مقدم، امیر؛ میرزایی، حسین علی؛ حسین زاده، فهیمه. ۱۳۸۹. *درآمدی بر روش های کمی و کیفی تحقیق در علوم اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

سیلور من، دیوید. ۱۳۸۵. *روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی. چاپ دوم. تهران: تبيان.

صدوقی، مجید. ۱۳۸۶. «کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، *فصلنامه روش شناسی علوم انسانی* (حوزه و دانشگاه)، سال سیزدهم، شماره ۵۲.

عابدی، احمد؛ شواخی، علی رضا. ۱۳۸۹. «مقایسه روش شناسی کمی و کیفی در علوم رفتاری»، *فصلنامه راهبرد سال نوزدهم شماره ۵۴*.

کرایب، یان. ۱۳۸۱. *نظریه اجتماعی مدرن از پارسنز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر. تهران: انتشارات آگه.

مارشال، کاترین؛ راسمن، گرچن. ۱۳۹۱. *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. چاپ دوم. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

محمدی نسب، مهدی. ۱۳۹۰. «کاربرد روش تحقیق تاریخی در مطالعات مدیریت»، *فصلنامه علمی و پژوهشی روش شناسی علوم انسانی*، شماره ۶۶.

مسعودی نژاد، رضا. ۱۳۸۵. «اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری»، *در در مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی به کوشش اداره اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی*.

۱۹۴ تاریخ پژوهشی سال هفدهم - زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۶۵

نبوی، بهروز. ۱۳۸۲. *مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*. چاپ بیست و یکم. موسسه عالی حسابداری.

نظرزاده، محمد. ۱۳۸۸. «معرفی آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه ها»، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، *مجله تاریخ پژوهشی*، سال یازدهم، شماره ۳۸-۳۹.

نورایی، مرتضی. ۱۳۸۲. «مقدمه ای بر فلسفه تاریخ»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، شماره ۴۹-۵۰.

الوانی، مهدی؛ بودلایی، حسن. ۱۳۸۹. «پدیدار شناسی در مطالعات کارآفرینی»، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال پنجم، شماره ۱۹.

ورنو، روژه؛ وال، ژان. (۱۳۸۷). *نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه هست بودن*، ترجمه یحیی مهدوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات خوارزمی.

هالوی، ایمی؛ ویلر، استفانی. ۱۳۸۵. *روش های تحقیق کیفی در پرستاری*، ترجمه حیدر علی عابدی و همکاران. چاپ اول. تهران: انتشارات بشری،

هولستی، ال-آر. ۱۳۷۳. *تحلیل محتوی در علوم انسانی و اجتماعی*، ترجمه نادر سالارزاده. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

Creswell, W, john. (2007), "Qualitative Inquiry and research desing: choosing Amony Five approches" (second Edition). Thousands oaks, ca. Sage pubications.

Rose, p, Beeby, J, & parker, D. (1995), Academic rigour in the lived experience of researcher using phenomenological methods in nursing, *journal of advanced Nursing*, 21 1123-1129.

Zehavi, Dan. (2003) Husserls Pphenomenology, stanford: Univerver. Press-
[http// en wikipedia.org/wiki/phenomenology-\(philosophy\)](http://en.wikipedia.org/wiki/phenomenology-(philosophy)).